

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سایت گزارشگران

۲۹ نومبر ۲۰۱۷

از مصاحبه های کارگری گزارشگران جنبش کارگری در ایران: ضعف ها و قوت ها مصاحبه با علی مبارکی



من در این مورد تجربه زیادی از سندیکای پروژه ای آبادان دارم ، ومی دانم که اکنون نیز آن اختلافات در اشکال دیگری در جریان است وفعالان کارگری بخشی با آن مواجه هستند. به خاطر همین تجربه است که همیشه دنبال تشکلات مستقل کارگری از دولت ، سرمایه داران و احزاب سیاسی بوده ام . باید همینجا این موضوع را روشن کنم که احزاب و تشکلات سیاسی موجود نه تنها دشمن طبقه کارگر نیستند بلکه از نظر بردن آگاهی در درون طبقه نقش برجسته ای نیز دارند ، متأسفانه آنها وقتی خود را در جایگاه احزاب کارگری قرار دهند آنگاه مشکل ساز می شوند و در اکثر مواقع با دخالت های نابجا باعث تفرقه بین صفوف کارگری می شوند . سوسیالیسم جنبش رهائی و برابری ، صلح و آزادی است بکوشیم آن را ترویج و تبلیغ کنیم و نه به واسطه آگاه بودن از آن بر طبقه کارگر سروری کنیم

دستگیری دوباره محمود صالحی فعال کارگری شناخته شده که سالیان دراز رنج و محرومیت و زندان و شکنجه را بر دوش کشید تا از حقوق محرومان و هم زنجیران خود دفاع کند، انگیزه این مصاحبه هاست. روشنی افکندن بر نقاط کور و ضعف های جنبش میلیونی کارگران ایران برای دستیابی به ابتدائی ترین حقوق انسانی خویش دلیل این تلاش اندک و نظرخواهی از فعالان کارگری و سیاسی از سوی گزارشگران است.

موج اعتراضات کارگری به بی عدالتی های موجود سالهاست به شکل فزاینده در جریان است. گاه همانند آتشفشان در مکانهای تولیدی و خدماتی غلیان می کند و فضای خبری و رسانه ئی را به خود تعلق می دهد. زنجیر فقر و ستم نظام سرمایه داری برپایشان و بار گران تورم و هزینه های زندگی روزمره را بر گرده خویش می کشند. ظلم و تعدی و بی حرمتی به آنان از سوی مسؤولین حاکم بدون مرز ادامه و جریان دارد. در این میان اما فعالان و نمایندگان کارگران

بیش از همه در تیررس نابکاران و دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار دارند. کارگران معترض به این بی عدالتی ها را می کشند. شلاق می زنند به زندان می افکنند. شکنجه می کنند. اسیران زندانی را می کشند. محکوم به مرگ خاموش می کنند. آنان را بیکار و از حق زندگی شرافتمندانه محروم می کنند. صدای اعتراض و شکایات آنها در فضای خبری سرمایه زده داخل کشور بندرت به گوش کسی می رسد. همبستگی بین المللی کارگران خارج از کشور با کارگران ایران اگر چه قدرتمند است اما با بی اعتنائی مطلق دست اندرکاران حکومتی مواجه است. برآستی برون رفت از این وضعیت چگونه می تواند باشد؟ هم از اینرو با فعالان کارگری و سیاسی مصاحبه می کنیم.

معرفی: با سلام من علی مبارکی هستم. به واسطه شغلم که کارگر پروژه ای بود از سال ۱۳۵۸ عضو سندیکای کارگران پروژه ای بیکار وفصلی آبادان و حومه شدم. در اوایل سال ۱۳۵۹ در دومین دور انتخاب نمایندگان به عنوان نماینده سندیکا انتخاب و تا آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق به فعالیت سندیکائی مشغول بودم، بعد به شهرهای دیگر ایران رفته دستگیر و زندانی و بعد از زندان در پروژه های مختلف صنعتی مشغول به کار بودم، از سال ۲۰۰۰ میلادی به خارج از کشور آمدم. اکنون نیز همچنان فعال کارگری و عضو اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران هستم.

گزارشگران: طی سالهای اخیر شاهد افزایش تصاعدی اعتراضات کارگری هستیم. شمارش آنها دیگر ممکن نیست. هر روزه بخشی از این وقایع در محیط های تولیدی و خدماتی انعکاس خبری می یابند و اینها تنها قسمتی از این اخبار هستند. ارزیابی شما از موقعیت جنبش کارگری در کشورمان چیست؟

علی مبارکی: ما در سالهای اخیر همچنان شاهد اعتراضات و اعتصابات روز افزون کارگران معلمان و بخش های مختلف کارگری بوده و هستیم که همه از روی اجبار هست! یعنی آنها هیچ چاره ای به جز این اعتراضات نداشته و ندارند، یک حاکمیت غارتگر که بدون هیچ ترسی از مردم نزدیک به چهل سال است که تمامی سرمایه های سرزمین ما را غارت می کند و هر صدای اعتراضی را با گلوله و طناب دار پاسخ می دهد. از آنطرف رژیم می داند که این اعتراضات هر چند زیاد و دامنه دار است اما هیچ تشکل قدرتمندی در طرف مقابل وجود ندارد که پیگیری کند. به همین دلیل تا کنون توانسته با سرکوب و استفاده از پراکندگی نیروی کار، خود را ایمن سازد. مشکل ما کمیت اعتراضات نیست بلکه با وسواس فراوان به کیفیت آن توجه داریم. اگر این اعتراضات پیوستگی و همبستگی در درون خود به وجود بیاورد و به تشکل یابی منجر شود می توان امید نتیجه گیری مثبتی از آن داشت. البته طی چند سال اخیر جوانه هائی زده شده مانند سندیکای واحد و هفت تپه، کارگران نانوائی در سفر و... که باعث امیدواری است و باید تقویت شوند. این تشکلات کارهای موفق را به انجام رسانده اند مانند همبستگی ها در اول مه روز جهانی کارگر یا فعالیت های عمومی برای آزادی فعالان کارگری و معلمان زندانی که کارهای اولیه برای اهداف بزرگتری است.

گزارشگران: از حکومت عدل علی گفته می شد و این که رهبران جمهوری اسلامی می خواستند دست پینه بسته کارگران را ببوسند و در گذر تاریخچه این حکومت دیدیم که چه بر سر کارگران و زحمتکشان رفت. هر جا اعتراضی هست نیروهای ضد شورش بسرعت در برابر شریف ترین انسانهای کشورمان صف می بندند و در اندیشه سرکوب و حشیانه آنها هستند و از هیچ جنایتی ابا ندارند. ریشه اینهمه خصومت و خشونت چیست؟

علی مبارکی: آنچه مسلم است سرمایه داران حاکم وکماشته های آنان مانند آخوند ها و حتی استادان دانشگاهی وبه اصطلاح هنرمندان ولمپن های مداح ومزدوران شان در نیروهای مسلح از بهترین حربه ای که توانستند از آن استفاده کنند همین حربه مذهب بود. از ترویج خرافات گرفته تا امام و امامزاده سازی ها همه برای تعمیق نا آگاهی وقبولادن شرایط به کارگران وزحمتکشان بوده واست. ببینید مشکل اصلی در نوع تعلیم وتربیت ماست ، متأسفانه ما بدون آنکه از روی آگاهی ومطالعه نوع تفکر و جهانبینی خود را انتخاب کنیم از روز تولد ما را مسلمان نامیدند و فریبکارانه یا ناآگاهانه وعده بهشت وعدل وبرابری وبرادری را در گوش ما نجوا می کردند. وقتی که ما توانستیم مطالعه کنیم که تاریخ ماچه بوده ودر گذشته چه اتفاقاتی روی داده متوجه شدیم که این حکومت اتفاقاً همان حکومت علی در ۱۴۴۰ پیش است. و تمامی اتفاقاتی که در سؤال شما آمده دقیقاً آنزمان هم اتفاق افتاده واین نمی تواند تصادفی باشد بلکه یک روند اساسی در حاکمیت اسلامی است که هر صدای مخالف ومعترضی را با سلب حیات آن شخص و اشخاص جواب می دهند، شما به مسأله تجاوز به دختران قبل از اعدام توجه کنید! یا کارهایی که داعشی ها در کشورهای عربی انجام دادند! در اینزمان هم ابزارهای تاریخی خود برای سرکوب را در دست دارند و از ابزارهای مدرن سرمایه داری هم استفاده می کنند، هر صدائی که مالکیت واستثمار و نابرابری اجتماعی وسیاسی را زیر سؤال ببرد باید خفه شود! پس در جواب سؤال شما باید گفت که اینها دست ما کارگران رانمی بوسد بلکه اگر گردن یا دستمان را قطع نکنند باید ممنون آنها باشیم!!!.

در این مورد توجه شما را به یک نوشته از مطهری جلب می کنم که بهترین گواه گفته هایم است.

مشکل اساسی حکومت امام علی(ع) چه بود+پاسخ شهید مطهری

برخورد علی(ع) با خوارج

کارشان به جایی کشید که علی(ع) آمد در مقابل اینها اردو زد. دیگر نمی شد آزادشان گذاشت. ابن عباس را فرستاد برود با آنها سخن بگوید. همانجا بود که ابن عباس برگشت، گفت: پیشانی هائی دیدم پینه بسته از کثرت عبادت، کف دستها مثل زانوی شتر است، پیراهن های کهنه زاهد مآبانه و قیافه های بسیار جدی و مصمم. ابن عباس کاری از پیش نبرد. خود علی(ع) رفت با آنها صحبت کرد، صحبتهای حضرت مؤثر واقع شد، از آن عده که ۱۲ هزار نفر بودند، هشت هزار نفرشان پشیمان شدند، علی(ع) پرچمی را به عنوان پرچم امان نصب کرد که هر کس زیر این پرچم بیاید در امان است، آن هشت هزار نفر آمدند، ولی چهار هزار نفر دیگرشان گفتند محال و ممتنع است، علی هم شمشیر به گردن این مقدسینی که پیشانیهای پینه بسته بود گذاشت، تمام اینها را از دم شمشیر گذراند و کمتر از ده نفر آنها نجات پیدا کردند که یکی از آنها عبدالرحمن بن ملجم این آقای مقدس بود.

علی(ع) در نهج البلاغه جمله ای دارد (علی موجود عجیبی است. اصلاً عظمت علی اینجا ظاهر می شود) می گوید: «انا فقات عین الفتنه و لم یکن لیجتری علیها احد غیری بعد ان ماج غیبهها و اشدت کلبها»؛ این من بودم و فقط من بودم که چشم فتنه را در آوردم و غیر از من احدی قادر نبود که چشم این فتنه را بکند؛ یعنی فتنه این خشکه مقدسه، غیر از من احدی از مسلمین جرأت نمی کرد که شمشیر به گردن اینها بگذارد،

گزارشگران: فعالان کارگری همیشه خود و خانواده هایشان در خطر دستگیری و زندان و شکنجه، تهدید و آزار بوده اند. دفاع از حقوق هم قطاران تحت ستم در جمهور اسلامی یعنی هزینه سنگین دادن و در این شرایط برخی از آنها همانند شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی به اشکال متفاوت به قتل رسیدند. امروزه نیز رضا شهابی و محمود صالحی در خطر جدی هستند. علت تمرکز نمودن مسؤولان جمهوری اسلامی بر آنها چیست؟

علی مبارکی: بله متأسفانه شرایط برای پیشروان و فعالان آگاه طبقه کارگر بسیار سخت است و ما شاهد سرکوب شدید آنها هستیم، جمهوری اسلامی می داند که آنها برای خود دست به خطر نزده اند بلکه نماینده کارگران هستند یعنی آنها مشغول سازماندهی طبقاتی خود هستند، تشکل مستقل کارگری را ترویج و تشکیل می دهند. این یکی از خطرات بزرگ برای سرمایه داران نو کیسه و غارتگر حاکم بر ایران است، پس به هر شکلی شده آنها باید محو شوند، جمهوری اسلامی می داند که کارگران وقتی متحد شوند دیگر هیچ نیروئی نمی تواند در مقابل آنان مقاومت کند، پس باید سازماندهندگان را از میان برداشت، به هر شکلی آنها را تحت شکنجه های روحی و جسمی (احضار، دستگیری و حکم های زندان تعلیقی و جزائی) قرار می دهند تا کسانی که پایداری ندارند کنار بروند، حکومت هدفش اینست که تشکلات مستقل کارگری (سندیکای واحد، سندیکای هفت تپه، انجمن صنفی کارگران خباز سقز، کارگران نقاش و فلزکار) موجود را از هم بپاشاند تا دیگر واحد های صنعتی هم جرأت ایجاد تشکل کارگری نداشته باشند! شما حساب کنید اگر دوباره شورای کارگران نفت و گاز و پتروشیمی که شاهرگ اساسی غارتگری حکومت است تشکیل شود، و دیگر واحدهای صنعتی و خدماتی و همچنین معلمان و دانشجویان و بیمارستانها و... شکل بگیرد چه تهدید بزرگی برای حاکمیت آنها به وجود خواهد آمد. پس باید شهابی ها و صالحی ها و عیدی ها و بهشتی ها و ابراهیم زاده ها و..... مانند شاهرخ زمانی، محمد جراحی و..... از میان برداشته شوند. من در نوشته خودم در یادبود محمد جراحی (roshangari.info) با عنوان مرگ سفید با رؤیاهای سیاه به این مسأله مفصل پرداخته ام

گزارشگران: تاریخچه جنبش کارگری پیوسته با مقوله ای به نام فرقه گرائی روبه رو بوده است. از سوی رهبران فکری سوسیالیسم هم مذمت و سرزنش شده و مقابله با آن ضروری ارزیابی شده است. ارجحیت دادن منافع و تمایلات گروهی، سازمانی و حزبی بر منافع کل طبقه کارگر نمودی از این انحراف بوده است. آیا امروزه و در ارتباطات با جنبش کارگری در کشورمان حضور آن را محسوس می دانید؟

علی مبارکی: متأسفانه این یکی از حیاتی ترین دشواری های ما می باشد که می شود ساعت ها در مورد آن بحث و مصاحبه کرد، خود خواهی ها، خود مطرح کردن ها و.... بدترین خصایل انسانی + فریب خوردگی و ناآگاهی از موقعیت و جایگاه طبقاتی همه دست به دست هم می دهند تا سرمایه داری بتواند در درون فعالان آگاه و اندیشمندان طبقه کارگر نفوذ کرده و این اختلافات را به وجود آورده و به آن دامن بزند.

من در این مورد تجربه زیادی از سندیکای پرژه ای آبادان دارم، و می دانم که اکنون نیز آن اختلافات در اشکال دیگری در جریان است و فعالان کارگری بخشی با آن مواجه هستند. به خاطر همین تجربه است که همیشه دنبال تشکلات مستقل کارگری از دولت، سرمایه داران و احزاب سیاسی بوده ام. باید همینجا این موضوع را روشن کنم که احزاب و تشکلات سیاسی موجود نه تنها دشمن طبقه کارگر نیستند بلکه از نظر بردن آگاهی در درون طبقه نقش برجسته ای نیز دارند، متأسفانه آنها وقتی خود را در جایگاه احزاب کارگری قرار دهند آنگاه مشکل ساز می شوند و در اکثر مواقع با دخالت های نابجا باعث تفرقه بین صفوف کارگری می شوند. سوسیالیسم جنبش رهائی و برابری، صلح و آزادی است بکوشیم آن را ترویج و تبلیغ کنیم و نه به واسطه آگاه بودن از آن بر طبقه کارگر سروری کنیم.

گزارشگران: از همبستگی همه جا سخنی هست. تقریباً تمامی نهادها و فعالان شناخته شده کارگری در داخل و خارج از کشور از آن و اهمیتش می گویند. اما رد پای فرقه گرائی و مقاومت در برابر آن عربان و پنهان دیده می شود. همبستگی

اما کمتر ملموس است. هنوز یک نمایش در دفاع از صفوف میلیونی کارگران ایران که انفجار رسانه‌ئی در خارج از کشور در پی داشته باشد، دیده نشده است. علت را در چه می بینید؟

علی مبارکی: مقوله همبستگی یک امر حیاتی برای طبقه کارگر ایران است، متأسفانه سرکوب‌های رژیم اسلامی تا کنون توانسته نقش مهمی در پراکندگی که نقطه مقابل همبستگی است ایجاد کند، اما ما به حرکات متحدانه کارگران در سالهای اخیر کمتر توجه داشته ایم مثلاً در اول ماه مه در ایران همیشه تشکلات کارگری با تمامی اختلافات در مقابل رژیم متحدانه ایستاده اند و به هر شکل ممکن ابراز وجود کرده اند. البته این نشانه‌ها کافی نیست فقط از نظر من کورسوی امید است که می تواند به فردای بهتری برسد.

کارگران ایران و پیشروان کارگری نباید به کسی متکی باشند. این گفته "کس نخارد پشت من" باید الگوی آنها باشد باید به نیروی خودتان متکی باشید، به هر شکلی و به هر نامی کارگران را به تشکل فرا خوانید! به آنها از قدرت تشکل سخن بگوئید، به آنها بگوئید دنبال جناحهای فریبکار حاکم نباشند، تنها و تنها تشکلات مستقل با نمایندگان شجاع و همبستگی سراسری می تواند راه نجات کارگران از شر حکومت‌های سرمایه دار با هر نام و عنوانی باشد.

گزارشگران: پیشنهاد شما برای گذر از موانع همبستگی صفوف حامیان کارگران کشورمان چیست؟

علی مبارکی: اکنون که سرمایه داری با انواع ترفندها به تمام جهان حکومت می کند باید چاره‌ای بهتر اندیشید، بعضی وقت‌ها جلب همبستگی جهانی تأثیر گذار است، از طرفی رژیم اسلامی ایران را تحت فشار می گذارد و از طرف دیگر فعالان کارگری را دلگرم می کند که تنها ویی پشتوانه نیستند. اما اگر این پشتوانه و جلب آن از هر طرفی که باشد به قصد نفوذ و سروری باشد مخرب و ضد همبستگی است.

در این رابطه من شاهد موارد بسیار زیاد تأسف بر انگیز خودخواهی‌ها و خودمحوری‌ها بوده‌ام که در روابط ما هم تأثیر گذار بوده، حتماً این موانع در داخل کشور نیز وجود دارد، باید در مقابل این انحرافات ایستادگی کرد، برای گذر از آن ما باید به این مهم بیندیشیم که هرکاری که می کنیم در خدمت طبقه کارگر است و نه گروه، حزب، سازمان و... پس باید از خود بگذریم و در خدمت همبستگی طبقاتی باشیم. من به شخصه حاضرم در خدمت تمام جریاناتی که خود را کارگری می دانند باشم، به شرط آنکه آنان خود را بدون چشمداشت در خدمت طبقه کارگر قرار دهند.

به امید همبستگی و اتحاد همه کارگران در مبارزه علیه ظلم و غارتگری حاکم بر ایران

با سپاس از شما و امید که کارگران و حامیان راستین کارگران ایران موفق باشند.

گزارشگران